

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

بررسی تطبیقی و بومی نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم با مبانی اسلامی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سمیرا تاج خراسانی^۱، غلامحسین مسعود^{۲*}، محسن شکرچی‌زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

چکیده

علوم انسانی بومی مطلوب برای ایران، علوم و روش‌هایی هستند که محصول فعالیت‌های علمی و براساس فرهنگ، باورها و نیازهای جامعه‌ی ایران به وجود آمده و معطوف به حل مسائل و مشکلات جامعه‌ی ایران باشند. بنابراین، مسائل باید بومی طراحی شوند و یا نظریات به شیوه‌ای درست و متناسب با فرهنگ و آیین کشور بومی‌سازی شوند، تا از آنها نتیجه مطلوب بدست آید. منظور از بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) بهره‌مندی از سیاست‌ها و تدابیر منبث از این نظریه‌ها در زمینه‌ی پیشگیری و کنترل جرم است. هدف از بومی‌سازی این نظریه، بومی‌سازی نظریه، بومی‌سازی نظریه می‌باشد، زیرا نظریه از آن کشور خود نیست و بر مبنای مسئله‌ی کشورهای دیگر، شکل گرفته و بر اساس بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی آن کشور به پیش رفته و راه حل ارائه داده است، در این صورت باید یک ظاهر بومی به آن بدهیم که در اصل بومی‌سازی شود، ولی ماهیت آن عوض نمی‌شود. در نتیجه باید در بومی‌سازی این نظریه چهارچوب‌ها و جهت‌های کلی را از اسلام بگیریم و روح و جوهره آموزه‌های اسلامی را به مثابه مغز علوم انسانی و اجتماعی معیار قرار دهیم.

واژگان کلیدی: بومی، کنترل اجتماعی جرم، مبانی اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

^{۲*} استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

dr.gh.masoud@gmail.com

استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مقدمه

چگونگی برخورد با کنترل جرم و سیاست‌های کنترل بزهکاری از یک نظام عدالت کیفری به نظامی دیگر مستلزم جذب یا ادغام و سازش‌پذیری یا انطباق داده‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی و سایر بسترهای اجتماعی و فرهنگی در کشور واردکننده است. برای بومی‌سازی نظریات غربی، باید افزون بر ترجمه، پذیرش نقادانه و اجتهادی داشت و به صورت گوناگون در آنها دخل و تصرف کرد تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی ایران از آنها بهره گرفت (نیکبخت، ۱۳۹۳، ص ۷). بخش زیادی از تحولات صورت گرفته در حوزه‌ی علوم جنایی در جوامع غربی (به عنوان صادرکننده‌ی سیاست‌های کنترل جرم)، با توجه به نوع و گستره و کیفیت بزهکاری در این جوامع، تجربیات خاص آنها در مبارزه علیه جرایم و مهم‌تر از همه در بستر خاص اجتماعی و فرهنگی و رفاهی آنها، پیشنهاد، تصویب و به مرحله‌ی اجرا گذاشته شده است و مرتباً هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این موضوع غالباً در انتقال نظریه‌ها، نهادها و راهکارهای کنترل جرم به ایران مورد توجه جدی قرار نگرفته است، در همین راستا باید به این موضوع پرداخته شود که بومی‌سازی به مثابه‌ی یک فرآیند را باید نقطه‌ی آغاز تحول علمی در کشور به حساب آورد (زینالی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). جریان فکری انقلاب اسلامی به دنبال آن است، که با استفاده از دانش جدید علوم انسانی غرب و با تکیه بر فرهنگ، دین، تاریخ، جغرافیا، سیاست و... شیوه‌های نو سازی در اندیشیدن را با پشتوانه‌های بومی بیابد. از این رو برای بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی جرم، ابتدا باید طرحی اسلامی - ایرانی از ساختاربندهی مبانی و منابع این الگوی بومی پایه ریزی کرد، و سپس باید به تأثیر متقابل معناها، هنجارها و قدرت در کنش و ساختار معتقد بود. منظور از نگاه بومی به نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) با توجه به مبانی اسلامی - ایرانی عبارت است از: بهره‌مندی از سیاست‌ها و تدابیر منبعث از این نظریه‌ها در زمینه‌ی پیشگیری و کنترل جرم هدف مقاله حاضر آن است، که بررسی کنیم، نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم، برای پیشگیری و کنترل جرم چه ساز و کارهایی ارائه داده، که با در نظر گرفتن یک رویکرد بومی از آنها بهره بجویم. به عبارتی، باید ببینیم در مبانی اسلامی - ایرانی چه آموزه‌هایی وجود دارند که در راستای نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم تحلیل‌پذیر هستند.

⁴ Indigenization.

پیشینه تحقیق:

در مورد پیشینه تحقیق نیز باید بگوییم تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده عبارتند از: زینالی، "تأملی بر بومی سازی نظریه‌های جرم‌شناسی در ایران" (۱۳۹۱)، در این مقاله بیان شده، بخش زیادی از تحولات صورت گرفته در حوزه‌ی علوم جنایی در جوامع غربی (به عنوان صادرکننده‌ی سیاست‌های کنترل جرم)، با توجه به نوع و گستره و کیفیت بزه کاری در این جوامع، تجربیات خاص آن‌ها در مبارزه علیه جرایم و مهم‌تر از همه در بستر خاص اجتماعی و فرهنگی و رفاهی آن‌ها، پیشنهاد، تصویب و به مرحله‌ی اجرا گذاشته شده و مرتباً هم مورد ارزیابی قرار گرفته است، اما در این منبع فرآیند بومی سازی و سامان دهی به آن مغفول واقع شده است.

خاقانی اصفهانی، حاجی ده‌آبادی، "بومی سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفت‌وگوهای سیاست جنایی" (۱۳۹۲)، هدف از این مقاله، پالایش معرفت شناختی بخش‌های قابل گرده برداری از قرائت‌های رایج سیاست جنایی فقهی و غربی و سهم دهی به هر یک از این دو منبع در ساختار یک نظام سیاست جنایی بومی است؛ نظامی که این مقاله در تلاش برای ترسیم دورنمای مبانی آن نگاشته شده است. بحث عمده‌ی این تحقیق ناظر به نگاه انتقادی است.

حکمت‌نیا، "بومی سازی نهادهای حقوقی با رویکرد اسلامی" (۱۳۸۴)، در این مقاله بحث عمده این است که با توجه به تفاوت بنیادین در مبنای مشروعیت قواعد حقوقی در نظام حقوقی اسلام با دیگر نظام‌های حقوقی، می‌توان از نهادهای حقوقی سایر نظام‌ها بهره برد، همچنین شیوه اخذ و پذیرش آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. منبع مورد اشاره بیشتر بر جنبه‌ی اهمیت و ضرورت بومی سازی در علم حقوق و انطباق آن با رویکرد اسلامی تأکید کرده است.

و در آخر باید بگوییم، تحقیقات فوق الذکر، تأکید آن‌ها بیشتر بر جنبه‌ی انتقادی بوده و این رویکرد مسأله‌ی اساسی این تحقیقات است، در حالی که در تحقیق حاضر بررسی‌های انجام شده در مورد بومی سازی ناظر به گذر از مرحله‌ی انتقادی و معرفی فرآیند سازماندهی شده، بومی سازی با توجه به نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم در بستر فرهنگ اسلامی - ایرانی است؛ به عبارت دیگر، بحث در مورد بومی سازی در بستر فرهنگ اسلامی - ایرانی یعنی تجلی این نظریه در حوزه کنترل جرم در قالب فرهنگ اسلامی - ایرانی امری که به جرأت می‌توان گفت فاقد پیشینه قلمداد می‌شود.

۱- نظریه کنترل اجتماعی جرم (هیرشی)

نظریه کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) از تلاش‌های اولیه برای فهم روش‌های درونی و بیرونی کنترل اجتماعی برخاسته است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۸۷). هیرشی که از مهمترین نظریه پردازان کنترل اجتماعی است، معتقد است کجروی معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد به جامعه است. وی مدعی است پیوند میان فرد و جامعه علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کجروی رفتاری است. هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد (Hirschi/ Gottfredson, 2003, p 16).

وابستگی: وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه‌هایی است که فرد، خود را از این طریق به جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که او نگران به خطر افتادن روابط اجتماعی خود نباشد (ستوده، ۱۳۹۹، ص ۱۳۸).

تعهد: منظور از احساس پایداری به تعهدات قبلی است. زمانی که فرد نسبت به تعهدات خود دغدغه دارد و هزینه‌های آن را می‌پردازد، کمتر مرتکب جرم می‌شود. این تعهد شامل مواردی چون سرمایه‌گذاری در جامعه (تحصیلات، شغل، خانواده)، آرزوها و توقعات آموزشی، جهت‌گیری، پیشرفت، شغل مورد انتظار، اهمیت شهرت می‌باشد (Shoemaker, 2010, p 20).

درگیر بودن: منظور سرگرم بودن و دل‌مشغولی داشتن نسبت به یک امر اجتماعی است. به عبارت دیگر وقتی افراد جذب فعالیت‌های اجتماعی باشند و دغدغه آن را داشته باشند فرصت ارتکاب جرم را ندارند، از این رو مشارکت در باشگاه‌ها، فعالیت‌های تفریحی و درگیر شدن در فعالیت‌های فوق برنامه موجب افزایش سطح تطابق فرد با جامعه می‌شود (ویلیامز، ۱۳۹۶، ص ۲۰۹).

اعتقاد به اعتبار و مشروعیت هنجارهای مشترک (باور): هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی - مثل احترام به قانون و احترام به پلیس و نادرستی کنش‌هایی چون بزهکاری و رعایت قوانین متفاوت است. هر چند اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، بیش‌تر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. بنابراین انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبارها و قوانین واقع می‌شود (همان). این عوامل به روشنی با یکدیگر در تعاملند تا درجات مختلفی از تاثیر را به وجود آورند.

۲- لزوم بومی‌سازی یک نظریه در حوزه علوم انسانی

بومی کردن فرایندی است ناظر بر سلسله کنش‌ها یا عملیاتی که به صورت هدفمند انجام می‌شود. یعنی آنچه به ویژگی‌های مکان خاص تعلق دارد با امر محلی مرتبط است. این تعلق یا ارتباط به اشکال مختلف، از جمله

ارتباط و تعلق در اهمیت و کارکرد، مصداق می‌یابد. پس بومی کردن یا محلی کردن اساساً ایجاد نوعی ارتباط و تناسب با ویژگی‌های مکان خاص است که از طریق تغییر در وجوهی مانند اهمیت و کارکرد صورت می‌گیرد. در این فرایند، آنچه اهمیت و کارکرد عام، کلی یا جهانشمول دارد به چیزی که اهمیت و کارکرد خاص محلی دارد تبدیل می‌شود. با توجه به نکات بیان شده، بومی کردن علوم انسانی یعنی انطباق دادن این دسته از علوم با امر محلی یا ویژگی‌های مکان خاص (گل محمدی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۰). بومی‌سازی در معنای مورد نظر ما اقدامی فرهنگی و نهضت فکری مبتنی بر دین و فرهنگ خودی است که داعیه جهان شمول دارد. اگر بومی‌سازی یک نظریه به معنای انطباق دادن یا سازگار کردن آن با مقتضیات و شرایط محل یا مکان خاص باشد، این پرسش پیش می‌آید که انطباق و سازگاری مورد نظر بر چه لزوم و ضرورتی استوار است و چرا باید یک نظریه را بومی کنیم. چنان چه علم را وسیله یا ابزاری بدانیم که، از طریق فراهم کردن امکان‌های شناخت و کنترل محیط زندگی، تامین کننده شرایط لازم برای (بهتر) زیستن است، بومی‌سازی یک نظریه نوعی لزوم و ضرورت کارکردی پیدا می‌کند: نظریات را به این دلیل بومی می‌کنیم که لازمه دست‌یابی به شناخت معتبرتر، کاربردی‌تر و سودمندتر است. بنابراین، آنچه که الزام بومی‌سازی را پیش می‌آورد، بروز بحران و تغییر در عرصه علوم انسانی در طی زمان و عدم انطباق سنت‌های تحقیقی و ارزش‌های جوامع و تفاوت نیازها و سیاست‌گذاری ما با جوامع دیگر است که برای سازگاری با محیط کشور، لازم است این علوم بومی شوند.

۳- اسلامی‌سازی شرط لازم برای بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی

با توجه به اصل چهارم و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که قانونگذار در اصل چهارم، بر منطبق بودن کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی تاکید کرده و در اصل دوازدهم، دین اسلام را به عنوان دین رسمی کشور معرفی کرده و این اصل را الی‌الابد غیر قابل تغییر دانسته، با ذکر این اصول، اهمیت دین اسلام در کشور ایران نمایان می‌شود.

با توجه به مطالب گفته شده، این نتیجه حاصل می‌شود که بر اساس آنچه از اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ذهن متبادر می‌شود، اسلامی‌سازی شرط لازم برای بومی‌سازی می‌باشد. چنین می‌توان گفت که اسلام در جزء جزء قوانین و مقررات، آداب و رسوم و عرف و فرهنگ ایران رسوخ کرده و چنان با آنها عجین گشته که بعضاً می‌بینیم افرادی که به اسلام معتقد نیستند نیز به طور ناخودآگاه در مسیر اجرای این قوانین و عرف‌ها قرار می‌گیرند زیرا در منطقه‌ای زندگی می‌کنند که نامش ایران است و این ایرانی هم‌گره خورده به اسلامی. به عنوان مثال یک فرد مسیحی یا زرتشتی که در ایران زندگی می‌کنند

بدون اینکه خودشان بخواهند تحت تاثیر قوانین اسلامی و عرف‌های اسلامی قرار می‌گیرند مثلاً یک دختر مسیحی که در آیین او اعتقادی به رعایت حجاب ندارند و رعایت حجاب جزء ارزش‌های آنها محسوب نمی‌شود، آیا می‌تواند بدون رعایت حجاب و با پوشش نامناسب در انظار عمومی ظاهر شود؟ پاسخ منفی است، و این دختر چون در ایران زندگی می‌کند باید به قوانین و مقررات این کشور احترام بگذارد و حجاب و پوشش او منطبق بر اصول و قوانین حاکم بر ایران باشد. بنابراین مشخص شد، اسلامی‌سازی شرط لازم و پیش‌نیاز، بومی‌سازی تمام قوانین، مقررات و نظریات در ایران می‌باشد.

۴- مبنای بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی در قانون اساسی

اصل دوم و اصل چهارم و اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به عنوان مبنای پایه و اساس بومی‌سازی برای نظریات کنترل اجتماعی دانست. زیرا اجرای این اصول باعث افزایش خودکنترلی در افراد جامعه می‌شود، و با افزایش خودکنترلی در افراد میزان پایبندی آنها به اصول اخلاقی و قوانین جامعه افزایش می‌یابد و کنترل اجتماعی بیشتری را حاصل می‌شود. برای توضیح این مطلب باید بیان شود، اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دین رسمی ایران را اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری معرفی کرده و با به رسمیت شناختن دین اسلام باید بر طبق اصل چهارم کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... براساس موازین اسلامی باشد. و اصل دوم قانون اساسی پایه‌های این موازین اسلامی را مشخص ساخته است. و همچنین اصل هشتم قانون اساسی یکی از فروع دین اسلام، که بخشی از سیاست نظارتی و کنترلی دین است را بیان می‌کند.

وقتی از بومی‌سازی صحبت می‌کنیم یعنی بهره‌مندی از این نظریه‌ها برای کنترل جرم، یعنی بهره‌مندی از سیاست‌ها و تدابیر منبعث از این نظریه‌ها در پیشگیری و کنترل جرم. از آنجایی که مهم‌ترین و اثربخش‌ترین آموزه‌های دینی، آموزه‌های اعتقادی است که زیربنا و شالوده‌ی سایر آموزه‌های دینی محسوب می‌شوند. در آموزه‌های اسلامی و تعالیم رسیده از قرآن و سنت معصومین (ع)، توجه دین به کنترل اجتماعی را نمایان

^۵ اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

^۶ اصل هشتم: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

می‌سازد. همانگونه که در اصل دوم قانون اساسی اشاره می‌کند جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: توحید، نبوت، معاد، عدل بنا شده است. اعتقادات دینی، انسان را از درون با دین پیوند می‌دهد و حقیقت دین را در اندیشه، احساس و رفتار انسان جاری می‌سازند. همچنین اصل هشتم قانون اساسی دو مورد از فروع دین را مورد توجه قرار داده که عبارتند از امر به معروف و نهی از منکر، در این اصل، همه مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت را مسئول دانسته و همه را به انجام آن مکلف نموده است. و از آنجایی که کنترل اجتماعی، شامل هر گونه نظارت اجتماعی در سامان دادن شخصیت و رفتار فرد می‌شود. و شخصیت انسان بیشترین تاثیر را از آموزه‌های اعتقادی می‌پذیرد و تحت تاثیر آنها شکل می‌گیرد. در اینجا است که ارتباط کنترل اجتماعی با آموزه‌های اعتقادی ظاهر می‌شود و اهمیت بومی‌سازی نمایان می‌گردد.

۱-۴ اعتقاد به توحید عامل اصلی بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی

با توجه به بند اول اصل دوم قانون اساسی که یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او می‌داند، اعتقاد به توحید در کنترل رفتار افراد، نقش مهمی را ایفا می‌کند. باورهای دینی نیز باور به حضور خداوند، باور به مراقبت همیشگی او و باور به روز حسابرسی و قیامت عناصری است که شدیداً رفتار افراد را تحت تاثیر قرار داده و فرد را به سمت رفتار شایسته هدایت می‌کند.

توحید در یک جمله بدین معناست که در عالم، تنها یک مبدا مستقل و متعالی وجود دارد که همه‌ی عالم وابسته به او هستند. توحید، مبنای اخلاق است، توحید یعنی اینکه بدانیم تنها یک ارزش اصیل در عالم وجود دارد و آن خداوند متعال است (جوان، ۱۳۸۴، ص ۶۸) حال تاثیر این عامل در کنترل اجتماعی اینگونه است، ایمان یعنی اعتقاد قلبی، زبانی و عملی به وجود خداوند، نقش بسزایی در پیشگیری و بازدارندگی از ارتکاب

^۷ اصل دوم قانون اساسی: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح

به او و لزوم تسلیم در برابر امر او

۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین

۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا

۴. عدل خدا در خلقت و تشریح

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا

جرايم دارد. به طور مسلم اين اعتقاد كه خداوند به تمام اعمال و رفتار انسان، آگاهي دارد، به عنوان عامل مهمي در بازدارندگي او از ارتكاب رفتارهاي ناشايست، به شمار مي رود. چنانچه در قرآن آمده: «خداوند بر هر چيز نگرهان و مراقب است» (احزاب، آيه ۵۲)، «و خداوند به كردار ايشان بيناست» (بقره، آيه ۹۶). ايمان به خداوند و پيوند افراد با او به عنوان مهمترين عامل خود كنترلي و در نتيجه پيشگيري كننده از ارتكاب رفتارهاي ناپسند، است. بنا بر اين يكي از مباني مهم كه تأثير عميقي در كنترل و نظارت اجتماعي خواهد داشت، مبتني بودن هنجارهاي اجتماعي بر ارزش هاي توحيد، است. هدف اصلي اسلام، صرفاً مراعات صورت ظاهري رفتار نيست، بلكه پيش از آن به روح و جوهر اخلاق يعني توحيد اهتمام دارد. كنش بهنجار انسان در اين پارادايم با اهداف اخلاقي و معنوي گره مي خورد و هر چه موجب آسيب به اين اهداف در جامعه گردد، به عنوان ناهنجاري تلقى خواهد شد.

نظام كنترل اجتماعي اسلام با آگاهي از ساحات خالقي توانا و منطبق با فطرت الهي انسان طراحي مي شود تا حركت و سير انسان براي اتصال به حقيقت عالم را تسهيل كند و با بيان و آگاهي دادن به انسان در رابطه با حقيقت خود و بعثت فطرت و عقلايت، او را از طغيان و عصيان باز دارد. پذيرش دعوت الهي كه در بهترين صورت و در غايت فصاحت و بلاغت بيان مي شود، موجب احياي انسان مؤمن و جامعه ديني است و اين موضوعي است كه عقل آن را به وضوح ادراك مي كند (شاطري پور اصفهاني، ۱۴۰۰، ص ۲۲).

نظام كنترل اجتماعي اسلام ظرفيت هاي بسياري براي تضمين حيات طيبه و مقابله با فساد در جامعه اسلامي دارد. تربيت الهي بر محور ربوبيت حق متعال، ايمان به معاد و حمايت و هدايت هاي الهي موجب معناداري حيات انسان مي شود و زندگي با ليك به دعوت الهي، زنده بودن به معنای واقعي را نشان مي دهد و ديگر مجال و فرصتي براي تأثيرگذاري عوامل مفسده برانگيز نخواهد بود (همان، ص ۲۳).

بنا بر اين در بومي سازي نظريه كنترل اجتماعي جرم و ساير نظريات، بايد اين امر مهم كه اعتقاد به توحيد و يكتاپرستي است، مورد توجه قرار گيرد، زيرا تمسك به ريسمان الهي بر اساس آيات قرآن عامل تلطيف قلوب و ايجاد برادري در جامعه ديني مي شود كه اين موارد، پشتوانه همبستگي و استحكام جامعه ديني خواهند بود. در اينجا تحقق يكي از عناصر موجود در نظريه كنترل اجتماعي جرم (هيرشي)، نمايان مي شود عنصر وابستگي و تعلق خاطر داشتن افراد نسبت به يكديگر كه يكي از عوامل تأثيرگذار در کاهش و كنترل جرم مي باشد.

^۸ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَاقِبًا

^۹ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ

۴-۲ وحی الهی و نقش بنیادین آن در بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی

با توجه به بند دوم اصل دوم قانون اساسی که یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را ایمان به وحی الهی و نبوت می‌داند، بدیهی است که معرفت خداوند و تکامل روحی و معنوی انسان که هدف آفرینش است، بدون رهبری پیامبران الهی امکانپذیر نخواهد بود. انبیاء انسانهای برجسته‌ای هستند که رفتار آنها برای بشریت در تمام مراحل زندگی به عنوان الگو دارای آموزه‌های فراوان اعتقادی، اخلاقی و حکمی است. پیامبران آمده اند تا مردم را ارشاد نموده و نسبت به وظایف الهی و انسانی خویش آگاه سازند و همچنین آنان را در مسیر تزکیه و تعلیم و تربیت یاری نمایند، جامعه را به سوی عدالت که از اهداف مهم بعثت انبیاء می‌باشد، سوق دهند. الگو بودن پیامبران الهی به جهت مراتب بالای اطاعت و بندگی و تسلیم محض خداوند متعال بودن و عصمت انبیاء می‌باشد. روش الگویی، بهترین روش و کارآمدترین شیوه، برای اصلاح و تربیت فردی و اجتماعی انسان است (کلینی، ۱۳۸۶، ص ۷۰).

در فرهنگ اسلامی بر مفهوم «اخوت ایمانی» تاکید فراوانی شده است، یعنی ایمان به خدا و پیامبر (ص)، عامل ایجاد نزدیک‌ترین پیوندهای عاطفی و همبستگی در میان افراد است. پیوندی که در حد برادری و از محکم‌ترین علقه‌هاست (جوان، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵).

خداوند در قران می‌فرماید: «...مومنین با یکدیگر برادرند، پس رابطه‌ی بین برادرانتان را اصلاح کنید» (لحجرات، آیه ۱۰).

از این رو، افراد در جامعه‌ی اسلامی، اعضای خانواده‌ای هستند که مرزهای زمانی و مکانی و جغرافیایی و نژادی و... را در می‌نوردند و عامل خویشاوندی در آن، ایمان است. این روحیه‌ی برادری و پیوند میان مومنان، چون جهت الهی دارد، بسیار پایدار و حقیقی‌تر از پیوندهایی است که در جوامع مادی گرا و بر پایه‌ی منافع دنیوی به وجود می‌آید، زیرا منافع دنیوی محدود است و در صورت تعارض منافع، پیوندها و دوستی‌ها به راحتی از بین می‌رود. این گفته‌ها بیانگر شباهت به عنصر وابستگی در نظریه هیرشی می‌باشد که بیان می‌داشت، علقه داشتن و وابستگی به افراد مدل، با قضاوتی که آن مدلها نسبت به فرد دارند تکمیل می‌شود. هر قدر قضاوت آنها نسبت به وی مثبت باشد، رکن وابستگی بیشتر و قوی‌تر می‌شود. اما هر قدر احساس وابستگی کمتر شود فرد نسبت به قضاوت مدل در مورد خود بی تفاوت شود میزان پشت کردن به هنجارها بیشتر می‌شود. در نتیجه، در جامعه اسلامی، هر چه روحیه‌ی برادری و پیوند میان مومنان بیشتر باشد رکن وابستگی آنها هم بیشتر می‌شود و بر قضاوت‌های مدل خود حساس‌تر می‌شوند در نتیجه باعث رعایت بیشتر هنجارهای جامعه از سوی آنها می‌شود.

^{۱۰} إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ. وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

به عبارت دیگر، در مورد تاثیر اعتقاد به نبوت بر کنترل اجتماعی باید بگوییم، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی بیان می‌کند وابستگی و تعهد فرد به اشخاص دیگر و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه‌هایی است که فرد، خود را از این طریق به جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که او نگران به خطر افتادن روابط اجتماعی خود نباشد. بنابراین اگر دیگرانی باشند که برای فرد مهم هستند، به طور قطع در چگونگی رفتار او موثر خواهند بود. توجه به اسوه‌ها در جامعه، عامل پیشگیری از انحرافات و خطاها می‌باشد، زیرا با حضور چشمگیر و موثر خویش، جوی از امان و پاکی پدید می‌آورند که خود به خود، اجازه‌ی ظهور جلوه‌های تباهی و انحراف را در جامعه نمی‌دهند.

۳-۴ اعتقاد به معاد و نقش آن در بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی

مقصود از ایمان به عالم آخرت، باور داشتن روز قیامت و ایمان به ثواب و عقاب الهی است. اهمیت ایمان به معاد و جهان آخرت تا حدی است که در بسیاری از آیات قران، ایمان به آخرت بلافاصله پس از ایمان به خداوند آمده است.

با توجه به بند سوم اصل دوم قانون اساسی که یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را ایمان به معاد می‌داند و بر نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا تاکید می‌کند می‌توان بیان کرد، در نظام اعتقادی اسلام، هستی محدود به این جهان مادی نمی‌شود که با مرگ انسان پایان پذیرد، علم به اینکه بعد از مرگ، انسان وا نهاده نمی‌شود، بلکه مسئول تمام اعمال خود است و جهانی جاویدان را به دنبال دارد، انسان را به فکر وادار می‌کند، چرا که انسان همیشه در این تلاش است که خود را به کمال برساند.

قطعیت و حتمیت حساب و جزا در روز قیامت از عوامل تاثیرگذار در کاهش جرم و جلوگیری از ارتکاب جرم خواهد بود. فردی که به روز جزا اعتقاد دارد، در مهار کردن غرایز، سنجش تمایلات و اجتناب از گناهان از غیر مومن به قیامت به مراتب موفق‌تر است، چرا که وقتی کسی به عالم آخرت یقین داشته باشد و خود را در پیشگاه الهی مسئول ببیند، همواره مراقب اعمال خویش است و اعتقاد به معاد، قوی‌ترین ضمانت را برای رعایت هنجارها، انجام خوبی‌ها و ترک زشتی‌ها پدید می‌آورد. در جامعه‌ای که چنین اعتقادی زنده و حاکم باشد و در تمام شریان‌های آن جریان داشته باشد و همگان بدان پای بند باشند، بی‌هیچ تردید برای اجرای قوانین و مقررات و جلوگیری از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، کمتر نیاز به اعمال زور و فشار خواهد بود. "توجه به اینکه بر تمام اعمال و رفتار انسان در آشکار و نهان نظارت می‌شود و روزی به حساب می‌آید و مطابق آن به انسان، پاداش و یا عذاب می‌رسد، التزامی درونی پدید می‌آورد که با هیچ نظارت بیرونی قابل مقایسه نیست" (جوان، ۱۳۸۴، ص ۶۱).

«بنابراین، اگر دو اصل بنیادین ایمان به خدا و معاد با شیوه‌هایی که دین سفارش کرده است، عمیقاً در فرد درونی شود و در طول زمان و مراحل رشد جسمانی و عقلانی از طریق تفکر، توجه، تهذیب و مناسک دینی به تثبیت برسد، شخصیت مطلوب دینی شکوفا می‌شود. چنین فردی از همه‌ی آفت‌های درونی و بیرونی محفوظ می‌ماند. درونی کردن ارزش‌های دینی تاثیر مستقیم و بسیار چشمگیری در اجتناب از انحرافات دارا می‌باشد» (آقاجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴). از طرف دیگر، مطابق نظریه تر وایس هیرشی، ایمان و وفاداری نسبت به ارزش‌های گروه، از مهمترین عناصر پیوند فرد با جامعه (پیوند اجتماعی) است. هر قدر ارزش‌ها اعتباری‌تر و قراردادی باشند و صرفاً به رسم و سنت گذشتگان مستند باشند، ایمان و وفاداری فرد نسبت به آنها کمتر خواهد بود، اما هر چه ارزش‌ها، انسانی‌تر و در راستای مبدا و معاد انسان باشند، تاثیرشان در ایمان و تعهد فرد بیشتر خواهد بود.

۴-۴ اصل چهارم قانون اساسی و ارتباط آن با نظریه کنترل اجتماعی

در واقع با تصویب قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی بر اساس اصل دوم این قانون بر توحید و قبول یکتایی خداوند متعال و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او بنا گردیده و عهده‌دار و ضامن اجرای اصول و مبانی اعتقادی مذکور در آن اصل، اصل چهارم قانون اساسی است که می‌گوید «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است». اصل چهارم یکی از مهمترین و اساسی‌ترین اصول قانون اساسی است که زیربنای تقنینی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید منطبق بر موازین اسلامی باشد. در واقع، این اصل بیانگر لزوم ابتناء تمام قواعد قانونی حاکم، با موازین اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. الفاظ عموم و اطلاق که از جمله اصطلاحات علم اصول می‌باشند با فراست فقهای مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی در اصل چهارم، گنجانده شده. عموم و اطلاق مصرح در این اصل در مقام تبیین دامنه شمول اسلامی بودن قوانین و مقررات در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و نشان می‌دهد که حکومت موازین اسلامی، علاوه بر قانون و مقررات، اصول قانون اساسی را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی علاوه بر لزوم انطباق همه اصول قانون اساسی با موازین اسلامی، کلیه مواد، تبصره‌ها و بندهای هر قانون و مقرره‌ای که در نظام جمهوری اسلامی حاکم می‌باشد نیز می‌بایست منطبق با شریعت اسلام باشد. تطابق قانون و مقررات با موازین اسلام، اعم از قانون و مقرراتی که پیش از انقلاب اسلامی و یا

بعد از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده اند می‌باشد. همچنین مشمول هر قاعده دارای ضمانت اجرایی که قابلیت اطلاق لفظ قانون یا مقرر بر آن وجود داشته باشد، می‌گردد (خیراله و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹). از آنجایی که یکی از عناصر نظریه کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) باور و اعتقاد می‌باشد، و اصل چهارم قانون اساسی منطبق بودن با موازین اسلامی (باور و اعتقاد گفته شده در نظریه هیرشی) را برای همه‌ی قوانین و مقررات در نظر گرفته و خط سیر باورها و اعتقادات را مشخص گردانیده، بنابراین، از آنجایی که اعتقاد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود، اصل چهارم قانون اساسی این باور و اعتقاد را ایجاد کرده است. در نتیجه برای بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) به دلیل اینکه ضعف در باورها و اعتقادات راه را برای کج رفتاری افراد جامعه هموار می‌کند باید با استفاده از روش‌هایی مناسب سعی در تقویت این باورها و اعتقادات در افراد جامعه شود تا احساس تعهد بیشتری نسبت به رعایت اعتقادات و باورها (موازین اسلامی) در افراد جامعه پدید آید.

۵-۴ نقش اصل هشتم قانون اساسی در بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی

با توجه به اصل هشتم قانون اساسی، که بیان می‌دارد در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند (نوبه، آیه ۷۱). در این اصل، همه مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت را مسئول دانسته و همه را به آن مکلف نموده است، به نظارت و دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که سرچشمه در مکتب و معارف اسلامی این امت دارد. امر به معروف و نهی از منکر بخشی از سیاست نظارتی و کنترلی اسلام و عنصر مکمل فرایند اجتناب‌ناپذیر «جامعه‌پذیری» محسوب می‌شود. بارزترین و اساسی‌ترین راهکارهای نظارت عمومی در قالب حق و تکلیف، نظارتی است که در نصوص اسلامی از آن به «امر به معروف» و «نهی از منکر» تعبیر شده، و موجب امر به معروف و نهی از منکر، و مکلف بودن به احساس مسئولیت در قبال دیگران و موظف بودن به مراقبت از دیگران اموری هستند که در حوزه فقه و شریعت اسلامی مطرح شده اند و بنای اسلام بر این است که در جوامع دینی و انسانی این مهم به عنوان یک هنجار درآید تا از این طریق، سیاست کنترلی اسلام به نقطه رفیع و ایده‌آل خود هدایت شود (کلینی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۴). در واقع در جوامعی که نهاد امر به معروف و نهی از منکر به درستی اجرا شود تک‌تک افراد آن جامعه به همدیگر این پیام را منتقل می‌کنند، که

^{۱۱} وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

سرنوشت و عاقبت افراد مربوط به همدیگر می‌باشد، چنانچه در قرآن کریم بیان می‌دارد، در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران آمده شما بهترین امتی هستید که برای مردم پایدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید (عمران، آیه ۱۱۰).^{۱۲}

بنابراین تذکر، تنبه، توجه همگانی و مسئولیت عمومی موجب اصلاح جامعه و دوری از آفتها می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر، یک تکلیف عمومی است که حقایق را روشن ساخته و با هدایت افراد جامعه، بدعت‌ها را از بین می‌برد، در اینجا نظریه کنترل نمایان می‌شود، در جوامعی که احساس همبستگی و تعلق در میان افراد کم است، افراد نصیحت دیگران را دخالت در کار خود می‌دانند. ولی در جامعه اسلامی، افراد با یکدیگر همبستگی و به هم علاقه دارند، در نتیجه نمی‌توانند نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشند و این مسئله را با امر به معروف و نهی از منکر البته بدون تجسس در امور شخصی افراد به یکدیگر نشان می‌دهند. این احساس همبستگی و تعلق میان افراد نیز یکی از عوامل استحکام و تنظیم نظم اجتماعی در جامعه است.

۵- نگاه بومی به نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم

در مسیر بومی‌سازی یک نظریه در زمینه علوم انسانی و اجتماعی از آنجا که بخشی از ذات علم، عقلی و انسانی و جهانی بودن است، و اقتضاعات عقل و فطرت بشر نیز یکسان است، چه بسا بسیاری از یافته‌های ما با علوم غربی و غیر بومی مشترک باشند. بنابراین نباید توقع داشت علوم انسانی و اجتماعی بومی در ایران کاملاً متفاوت با سایر کشورها یا جوامع باشد یا یک چیز عجیب و غریبی باشد که در دنیا هیچ مشابهی ندارد. بنابراین در بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی جرم، عناصری را که هیرشی به عنوان مولفه‌های کنترل کننده جرم بیان کرده، ۱- وابستگی و تعلق خاطر داشتن، ۲- تعهد داشتن، ۳- اعتقاد و باورها، ۴- درگیر بودن یا مشغولیت بوده است، که به تکرار در آموزه‌های اسلامی این عناصر به چشم می‌خورند.

بنابراین، از آنجا که اقتضاعات عقل و فطرت بشر یکسان است و اسلام نیز دینی است که محتوای آن بر پایه‌ی عقل و فطرت بشری است و عناصر موجود در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز خارج از قاعده عقل و فطرت بشر نمی‌باشند به همین دلیل است که عناصر موجود در نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم هیرشی، تماماً در آموزه‌های اسلامی به طور کامل و جامع وجود دارند و برای هر کدام از این عناصر می‌توان نمونه‌های بی‌شماری از آیات و روایات را ذکر کرد و به عنوان مصداق و نمونه آورد.

^{۱۲} كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

برای بومی‌سازی نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم‌پیشگیری لازم نیست کاری شگرف انجام شود، زیرا که در آموزه‌های اسلامی به نحو احسن این عناصر بیان شده و کوچک‌ترین ابهامی باقی نمانده است. در نتیجه کاری که باید در بومی‌سازی نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم، انجام شود این است که یک ظاهر بومی به این نظریه بدهیم. پس لازم است، چهارچوب‌ها و جهت‌های کلی را از اسلام بگیریم و جوهره آموزه‌های اسلامی را معیار قرار دهیم. برای اخذ چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کلی اسلام، باید پایه و اساس بومی‌سازی نظریات جرم‌شناسی را بشناسیم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول دوم، چهارم، هشتم و دوازدهم را می‌توان به عنوان پایه و اساس بومی‌سازی نظریات کنترل اجتماعی دانست. زیرا اجرای این اصول باعث افزایش سطح تطابق فرد با جامعه می‌شود، و میزان پابندی افراد به اصول اخلاقی و قوانین جامعه افزایش می‌یابد، در نتیجه کنترل اجتماعی بیشتری را حاصل می‌شود.

۱-۵ ذکر نمونه‌هایی از وابستگی و تعلق خاطر داشتن در آموزه‌های اسلامی

پیشگیری در نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم، وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی، را یکی از موارد پیوند فرد با جامعه می‌دانست و ضعف چنین پیوندهایی را دلیلی برای گرایش بیشتر فرد به سمت ارتکاب جرم می‌شناخت. مشابه این مورد را در آموزه‌های اسلامی در اهمیت به خانواده می‌بینیم، خانواده، از ابتدای تاریخ تاکنون به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. دین اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد؛ از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دست‌یابی به آرامش برمی‌شمارد.

به هر حال از دید اسلام اساس زندگی خانوادگی بر محبت است، خداوند در قرآن می‌فرماید: یکی از آیات و نشانه‌های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه‌های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می‌کنند (روم، آیه ۲۳).

^{۱۳} مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُوْنَ

خانواده کانون پرورش نسل صالح است. فرزندی که محصول پیوند زن و مرد هستند، برای پرورش سالم و صالح، نیاز به یک کانون مناسب دارند؛ خانواده این بستر را به خوبی فراهم می‌نماید^{۱۴} (تحریم، آیه ۶). امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: لِحَقِّ فِرْزِنِکَ تُوَّانَ اسْتِکْبَانِکَ اسْتِکْبَانِکَ اسْتِکْبَانِکَ، یعنی: تو نسبت به پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او به راه پروردگارش و یاری رساندن به او در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق اوست و مسئول هستی و براساس این مسئولیت پاداش می‌گیری و کیفر می‌بینی، پس در کار فرزند همچون کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حسن اثر خویش آراسته می‌کند و تو به سبب حسن رابطه میان خود و او سرپرستی خوبی که از او کرده‌ای و نتیجه الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار خویش معذور باشی و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۳).

از منظر قرآن کریم خانواده محلّ اَمْنِیَّت و آرامش است و بر اساس مهر و محبّت بنا نهاده شده است و از آنجا که محبّت و مهرورزی می‌تواند خانواده را از اضمحلال حفظ کند، از طریق پاداش اخروی به آن تشویق می‌نماید. در سنت پیشوایان معصوم (ع) رابطه عاطفی و برخورد محبّت‌آمیز با همسران بوده است، به گونه‌ای که هم خود به آن عمل و هم به دیگران درباره آن سفارش می‌کردند. با ذکر این مثال‌ها متوجه شدیم، که در کانون خانواده عنصر وابستگی و تعلق خاطر هیرشی به وضوح نمایان می‌شود، در نتیجه به هر میزان روابط فرد در محیط خانواده مستحکم‌تر باشد و پیوندهای میان اعضای خانواده قوی‌تر باشد به همان میزان تعلق خاطر فرد افزایش می‌یابد و بیشتر نگران به خطر افتادن روابط خود می‌شود، در نتیجه گرایش فرد به سمت رفتارهای پر خطر کاهش می‌یابد.

۲-۵ ارتباط عنصر تعهد در کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) با آموزه‌های اسلامی

^{۱۴}: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره علیها ملائکه غلاظ شداد لا یعصون الله ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون»

^{۱۵}: «و اما حق و کدک فتعلم انه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیر هو شره و انک مسؤل عما وکیته من حسن الأدب و الدلاله علی ربّه و المعونه له علی طاعته فیک و فی نفسه فمثاب علی ذلک و معاقب فاعمل فی امره عمل المتزین بخسن اثره علیه فی عاجل الدنیا، المعدر الی ربّه فیما بینک و بینة، یحسن القیام علیه و الأخذ له منه و لا قوه الا بالله؛

منظور از تعهد، در نظریه کنترل اجتماعی جرم هیرشی احساس پایبندی است. افرادی که نسبت به جامعه از تعهد بیشتری برخوردارند، برای حفاظت از دستاوردهای خود و ارزش‌های جامعه، با دیگران هم‌نوا می‌شوند؛ گرایش کمتری به سمت ارتکاب جرم دارند.

در زمینه‌ی ارتباط عنصر تعهد در کنترل اجتماعی جرم (هیرشی) با آموزه‌های اسلامی، در بادی امر به ذکر آیات و روایاتی در مورد اهمیت وفای به عهد خواهیم پرداخت.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید.»^{۱۶} (مائده، آیه ۱). آنان (مؤمنین) به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند (المؤمنون، آیه ۸). قرآن مجید، دستور می‌دهد: «به عهد و پیمان خود پیوسته وفادار باشید و بدانید که در برابر خدا مسئول هستید. و می‌فرماید: به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید» (انعام، آیه ۱۵۲).

نادیده گرفتن پیمان‌ها، جز خودخواهی و بی‌اعتنایی به حقوق دیگران و سبک شمردن شخصیت آنها علتی ندارد و افراد خودخواه و پیمان شکن از دید پیامبر اکرم نکوهش شده‌اند. چنان که ایشان فرموده است: «آن کس که به پیمان خود وفادار نیست، مسلمان نیست»^{۱۷}.

بنابراین، با ذکر این موارد تشابه تعهد یا وفای به عهد در آموزه‌های اسلام با عنصر تعهد داشتن در نظریه کنترل اجتماعی جرم هیرشی نمایان شد و متوجه شدیم که در هر دو مورد تعهد داشتن از اهمیت والایی برخوردار است و وجود احساس پایبندی در افراد جامعه، عامل مهم برای کنترل جرم هم در نظریه کنترل اجتماعی و هم در آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود.

۳-۵- تشابه عنصر مشغولیت در نظریه کنترل اجتماعی با آموزه‌های اسلامی

در نظریه کنترل اجتماعی جرم هیرشی، منظور از مشغولیت و درگیر بودن سرگرم بودن و دل‌مشغولی داشتن نسبت به یک امر اجتماعی است. انجام فعالیت‌های تفریحی و درگیر شدن در فعالیت‌های فوق برنامه موجب افزایش سطح تطابق افراد در جامعه می‌شود که کاهش انحراف و جرم را در پی دارد. تشویق به کار و تلاش به عنوان عامل مهمی در رشد معنوی و تربیتی و سلامت فکری و معیشتی انسان، موضوعی است که قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به آن دعوت و توصیه نموده است. در قرآن کریم

^{۱۶} یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ

^{۱۷} وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

^{۱۸} وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

^{۱۹} لَا دِينَ، لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ

حدود ۴۰۰ آیه در تشویق به کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت و آثار و برکات (کار و تلاش) وارد شده است. در آموزه‌های قرآنی و روایی، کار در ردیف عبادت آمده است. تا آنجا که فضیلت کسی که برای روزی خود تلاش می‌کند، برتر و بالاتر از عابد بی‌کار شناخته شده است و در مقابل، تنبلی و بی‌کاری مظهر نقص، پوچی و ابتدال معرفی شده است.

آیات و روایات در مورد اهمیت داشتن کار و کسب روزی حلال بسیار است که به چند مورد به عنوان نمونه بسنده می‌کنیم.

خداوند در قران کریم می‌فرماید: پس آن‌گاه که نماز پایان یافت (بعد از ظهر جمعه باز در پی کسب و کار خود رفته و) روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی) طلید، و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادت‌مند گردید (جمعه، آیه ۱۰):^{۲۰}

رسول الله (ص) می‌فرماید: عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است (توری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۲).

امام صادق (ع) می‌فرماید: رها کردن کسب و کار، عقل را کم می‌کند (اعمالی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۴). بنابراین، با ذکر این نمونه‌ها دریافته‌ایم که تشابه زیادی بین عنصر مشغولیت در نظریه‌ی کنترل اجتماعی جرم هیرشی با آیات و روایات اسلامی وجود دارد و مشغولیت و درگیر بودن از منظر هر دو عامل مهمی در کنترل جرم و کاهش انحراف و کج روی در جامعه می‌باشد.

۴-۵ اعتقاد و باورها در نظریه کنترل اجتماعی و آموزه‌های اسلامی

در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی آمده است، اعتقاد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج رفتاری هموار می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

و این اعتقادات و باورها در آموزه‌های اسلامی، در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشهود است که ایمان به توحید و یگانگی خداوند، اعتقاد به رسولان الهی و اعتقاد و باور به معاد و روز حسابرسی به عنوان پایه‌های بومی سازی نظریات کنترل اجتماعی جرم هستند. که در بالا به توضیح این موارد پرداخته شد.

^{۲۰} فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

^{۲۱} الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعُهُ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ

^{۲۲} تَرَكَتُ الْبِجَارَةَ يَنْقُصُ الْعُقْلَ

بنابراین، به هر میزان افراد جامعه نسبت به ارزشها و اعتقادات حاکم بر جامعه پایبندتر باشند، باعث کاهش ارتکاب جرم در آن جامعه می‌شود و کنترل جرم در آن جامعه به آسانی میسر می‌شود. در جامعه ایران نیز افرادی که دارای ایمان راسخ به یگانگی خدا، ایمان به نبوت و باور به روز جزا و حسابرسی هستند، بیشتر بر روی اعمال و رفتارهای خود کنترل دارند، در نتیجه کمتر به سمت انحراف و ارتکاب جرم گرایش پیدا می‌کنند و ضعف چنین اعتقاداتی مسیر آنها را به سوی انحراف و کج رفتاری منحرف می‌کند.

۱-۴-۵ تجلی عنصر باورها و ارزشهای هیرشی در قانون زکات

در باورها و ارزش‌های اسلامی زکات از جایگاه ویژه‌ای به عنوان یکی از فروعات دین برخوردار است و اهمیت آن به گونه‌ای است که قانونی به عنوان قانون زکات در ۱۳۹۰/۸/۸ در ۷ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. چنانچه یکی از عناصر نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی باورها و ارزشها می‌باشد، جلوه‌گر شدن این عنصر را در قانون زکات می‌توان شاهد باشیم. حال برای تاثیر پرداخت زکات در کنترل جرم به توضیح مطالبی در مورد زکات می‌پردازیم.

پرداخت زکات در اصطلاح فقهی به معنای پرداخت مقدار معینی از مال به محرومان و نیازمندان جامعه است. و در مورد زکات قرآن کریم بیان داشته: از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست^{۳۳} (توبه، آیه ۱۰۳). این آیه معروف به آیه زکات است و خداوند با تعبیر «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» رسماً زکات را بر عموم مسلمانان واجب می‌کند. واژه زکات سی و دو مرتبه در قرآن کریم آمده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم.

«پرداخت زکات نشانه ایمان به خداوند و روز قیامت است»^{۳۴} (توبه، آیه ۱۸).

«راه پذیرش توبه و آمرزش گناهان، اقامه نماز و ادای زکات است»^{۳۵} (توبه، آیه ۱۱).

«برپایی نماز و زکات، نشانه حکومت صالحان است»^{۳۶} (حج، آیه ۴۱).

همچنین در روایات می‌خوانیم: «زکات، نشانه‌ی بی‌نقص بودن و کمال اسلام و ایمان است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۱، ص ۳۶۴). همچنین در روایات متعددی، زکات به عنوان یکی از پایه‌های دین اسلام شمرده شده

^{۳۳} خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

^{۳۴} إِنَّمَا يَعْزَّمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

^{۳۵} فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

^{۳۶} الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ

است: امام باقر (ع) فرمودند: «بنای اسلام بر پنج پایه استوار است، نماز، زکات، حج، روزه و ولایت»^{۲۷} (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۴).

زکات رمز همبستگی اجتماعی است. معمولاً دستور به نماز همراه با دستور به زکات آمده است، یاد خدا باید همراه با توجه به خلق خدا باشد. در واقع نماز برای تکمیل نفس و تحصیل قرب و ارتباط با پروردگار متعال و زکات برای رسیدگی به دیگران و کمک به بندگان خدا و رفع احتیاجات فقرا و مستضعفین و تهیه وسایل زندگی آنان است. حضرت علی علیه السلام یکی از علامت مومنان را زکات دانسته اند: «علامت و نشانه‌ی مومنان و شیعیان ما سه چیز است: نماز، روزه، زکات». پرداخت زکات، دلها را به هم نزدیک می‌کند و جامعه را برای حل همه‌ی مشکلات آماده می‌سازد. اگر فقرا خود را در سود اغنیا شریک بدانند، در برابر ناسامانی‌ها و مشکلات و آفات با تمام توان به پا خواهند خواست و تا آنجا که بتوانند در حل مشکلات کوشش خواهند نمود. آنچه سبب دوستی و تعمیق و توسعه آن می‌شود، خوش نیتی، خوش رفتاری، انصاف، کرم، ایثار، سخاوت، احسان، محبت، زهد، صله رحم، هدیه و تفقد از یکدیگر می‌باشد که در پرداخت زکات همه این آثار به روشنی نهفته است. بنابراین اگر افراد، زکات مال خود را صحیح و به موقع پرداخت کنند، بسیاری از افراد جامعه که به دلیل وجود مشکلات اقتصادی زمینه ارتکاب جرم، برای آنان به وجود آمده، تامین و هدایت می‌شوند (قرائتی، ۱۳۹۹، ص ۱۱). بنابراین پرداخت زکات تاثیر چشمگیری در کاهش جرائم دارد، و اگر افراد به وظیفه شرعی خود عمل کنند و زکات مال خود را بپردازند، امار بسیاری از جرائم مالی از جمله سرقت، کیف قاپی، اخاذی و... کاهش می‌یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

نظریات در علوم انسانی برخلاف علوم طبیعی به راحتی از جامعه‌ای به جامعه دیگر قابل تقلید نیستند. هر جامعه‌ای براساس بسترهای تمدنی خود باید از نظریات علوم انسانی بهره گیرد، تا برای پدیده‌های آن موضع مفید باشد. بومی سازی نظریات غربی، می‌تواند ما را از یکنواختی، جزم گرایی و قطعیت نسخه غربی آن رها

^{۲۷} بُنَى الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ

سازد. اصل اساسی بومی‌سازی احترام به نسبی بودن عناصر فرهنگی است. با بومی‌سازی این نظریات، خطر پذیرش کورکورانه آنها و از طرفی دیگر رد آنها به عنوان ارمغانی بیگانه حذف می‌شود. مبادله ارزش‌های مشترک و مبادله ارزش‌های ناب فرهنگ‌ها در فرایند مبادله علوم انسانی امکان پذیر خواهد شد.

مهمترین مباحث مورد بحث و چالش برانگیز در بومی‌سازی، وجود دو عنصر ایرانیت و اسلامیت و تاثیرپذیری آنها از فرهنگ غرب است. طبیعی است که با توجه به هویت اجتماعی و سیاسی ما آنگاه که از نظریه پردازی بومی سخن می‌گوییم، چیزی جز نظریه پردازی منطبق با فرهنگ ایرانی-اسلامی در راستای گفتمان انقلاب اسلامی نیست. لذا نظریه پردازی در این عرصه ضرورت در نظر گرفتن مقتضیات امروز ایران و مردم آن (خواه در قالب جمهوریت ایرانی و خواه در قالب مردم ایران با عناصر خاص فرهنگی بومی و سنتی ایرانی) را در بردارد. همچنین ضرورت دیگر نظریه پردازی انطباق و هماهنگی با عناصر شریعت و مکتب اسلام است، زیرا این مکتب بخشی جدایی ناپذیر از فرهنگ، دین و ایدئولوژی ما را تشکیل می‌دهد. بنابراین، نگاه بومی به نظریه کنترل اجتماعی جرم با توجه به مبانی اسلامی-ایرانی از آنجا که اقتضاعات عقل و فطرت بشر یکسان است و اسلام نیز دینی است که محتوای آن بر پایه عقل و فطرت بشری است و عناصر موجود در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز خارج از قاعده عقل و فطرت بشر نمی‌باشند به همین دلیل است که عناصر موجود در نظریه کنترل اجتماعی جرم هیرشی، تماما در آموزه‌های اسلامی به طور کامل و جامع وجود دارند و برای هر کدام از این عناصر می‌توان نمونه‌های بی شماری از آیات و روایات را ذکر کرد در نتیجه، برای بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی جرم هیرشی لازم نیست کاری شگرف انجام شود، زیرا که در آموزه‌های اسلامی به نحو احسن این عناصر بیان شده است. در نتیجه کاری که باید در بومی‌سازی نظریه کنترل اجتماعی جرم هیرشی، انجام شود این است که یک ظاهر بومی به این نظریه بدهیم. پس لازم است، چهارچوب‌ها و جهت‌های کلی را از اسلام بگیریم و روح و جوهره آموزه‌های اسلامی را به مثابه مغز علوم انسانی و اجتماعی معیار قرار دهیم. برای اخذ چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کلی اسلام، باید پایه و اساس بومی‌سازی نظریات کنترل اجتماعی جرم را بشناسیم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول دوم، چهارم، هشتم را می‌توان به عنوان پایه و اساس بومی‌سازی نظریات کنترل اجتماعی دانست. زیرا اجرای این اصول باعث افزایش سطح تطابق فرد با جامعه می‌شود، و میزان پایبندی افراد به اصول اخلاقی و قوانین جامعه افزایش می‌یابد، در نتیجه کنترل اجتماعی بیشتری را حاصل می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلاحیه سال ۱۳۶۸.
۴. آفاجانی، نصرالله. (۱۳۸۲). *استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی*، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، سال پنجم، شماره ۲۰. ص ۱۰۰-۷۳.
۵. جوان، عبدالله. (۱۳۸۳). *نظم اجتماعی در اسلام*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۶. حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، قم: موسسه انتشارات اسلامی.
۷. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: آوای نور.
۸. سلیمی، علی، داوری، محمد. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. شاطری‌پور اصفهانی، شهید. (۱۴۰۰). *درآمدی بر نظام کنترل اجتماعی اسلام*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل‌البیت (ع).
۱۴. علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۹۳). *مدیریت پیشگیری از جرم*، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۸، ص ۵۸-۳۷.
۱۵. قرائتی، محسن. (۱۳۹۹). *خمس و زکات*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۶). *اصول کافی*، ترجمه و شرح سید مهدی آیت‌اللهی. تهران: جهان‌آرا.
۱۷. نیکبخت، احمد. (۱۳۹۳). *بومی‌سازی در حقوق کیفری ضوابط، مفاهیم و کارکردها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۸. ویلیامز، فرانکلین، مک‌شین، مریلین. (۱۳۹۶). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: میزان.

19. Hirschi, Travis, Gottfredson, Michael R. (1990). A General Theory of crime, Stanford University Press, Stanford.
20. Karp, D. R. , Breslin, B. (2001), Restorative Justice in School Communities. Youth & Society, 249-272.
21. Lu, H., Zhang, L., Miethe, T. (2002), "Interdependency, Communitarianism, And Reintegrative Shaming in China", The Social Science Journal, vol. 39:189-201.
22. Shoemaker, J. Donald (2010). Theories of delinquency an examination of explanations of delinquent behavior, sixth edition. Published by Oxford University, Oxford.



Abstract

Desirable native humanities for Iran are sciences and methods that are the product of scientific activities based on the culture, beliefs and needs of Iranian society and are aimed at solving the problems and problems of Iranian society. Therefore, the issues should be designed locally or the ideas should be localized in a proper way and appropriate to the culture and religion of the country, so that the desired result can be obtained from them. The meaning of localizing the theory of social control of crime (Hirschi) is to benefit from the policies and measures derived from these theories in the field of crime prevention and control. The purpose of localization of this theory is to localize the theory, because the theory does not belong to one's own country and it was formed based on the problem of other countries and proceeded based on the belief and cultural foundations of that country and provided a solution, in this case it should be Let's give it a native appearance to be localized, but its essence will not change. As a result, in the localization of this theory, we should take the general frameworks and directions from Islam and place the spirit and essence of Islamic teachings as the core of humanities and social sciences.

Key words: localization, social control of crime, Islamic-Iranian foundations

